

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

هارون خیل شعشی

۲۱ جولای ۲۰۱۱

## لشکرگاه های امریکائی و نقشه های استعماری

### بخش نهم

#### لشکرگاه های امریکائی و لویه جرگهء نمایشی

همان طوری که در مباحث گذشته نیز تذکر به عمل آورده ایم، مسألهء تأسیس چونی های امریکائی در افغانستان خلاف ادعای بی بنیاد برخی از نویسندگان و تحلیلگران غرب زدهء ما، موضوع سال های بعد از ۲۰۱۴م نبوده، بلکه از ده سال به این سو یعنی از همان نخستین روز تهاجم نیروهای امریکائی بر کشور ما آغاز یافته؛ و تاکنون با تیزی هر چه بیشتر ادامه دارد. هموطنان بیدار و هوشیار ما به درستی می دانند، که قلمرو بی در و دیوار افغانستان از بلخ و قندوز تا خوست و پکتیکا، از شیندند تا کونر پُر از چنین اردوگاه های امریکائی بوده است. البته، آن چه تا کنون جامهء عمل نپوشیده، صرف مسألهء به اصطلاح «رسمیت دادن» و «مشروعیت بخشیدن» به چنین تأسیسات شوم و مصیبت بار نظامی اشغالگران امریکائی است و بس.

بدون شک، وجود حکومت مزدور و فاسد حامد کرزی، اپوزیسیون خاین و دست نشانده به رهبری عبدالله عبدالله، امرالله صالح و برادران احمدشاه مسعود ازیکسو و آشفته بازار سیاسی به نام شورای ملی و شورا های ولایتی مرکب از جنایتکاران، تبهکاران، چپاولگران و وطنفروشان گوناگون از سوی دیگر، موقع طلائی برای چنین «رسمیت دادن» و «مشروعیت بخشیدن» قلابی به شمار می رود. بر همگان روشن است، که امریکائی ها و سایر متحدین نظامی - سیاسی شان برای به دست آوردن چنین فرصت مناسب در افغانستان، در ده سال جنگ تجاوزگرانه، هزاران کشته و زخمی به جا گذاشته اند؛ میلیارد ها دالر پول مالیه دهندگان خویش را به باد فنا داده اند؛ و به مخالفت میلیون ها انسان صلحدوست جهان دامن زده اند.

هر چند مطابق به فقره پنجم (۵) ماده نود (۹۰) قانون اساسی رژیم تحمیلی، تصدیق معاهدات و میثاق های بین المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن، در زمرهء صلاحیت های «شورای ملی» پیشبینی گردیده است؛ اما با وصف آن هم اشغالگران امریکائی با توجه به واقعیت های موجود سیاسی در کشور ما، ترجیح داده اند تا مسألهء جنجال بر انگیز لشکرگاه های استعماری وجهنی خویش را توسط نمایندگان لویه جرگهء قلابی، تأیید و تصویب نمایند.

سیاستمداران امریکائی با تدویر «لویه جرگه» قبلاً مهندسی شده خویش در واقع دو هدف بزرگ و مهم را دنبال می کنند:

- اول این که با حصول مُهر تأیید و تصویب اعضای «لویه جرگه» می خواهند از «مشروعیت» و «قانونیت» تداوم لشکرگاه های استعماری شان در افغانستان، منطقه و سراسر جهان حرف بزنند؛ و بدین ترتیب نه تنها از مخالفت ها و اعتراضات افغان های آزاده، مهین دوست و پُر غرور، بلکه کشور های همسایه و بازیگران مهم سیاست های منطقه نیز راه «گریز» بیابند.

- دوم این که درین مسأله ننگین و مشکل آفرین، بار دوش حکومت دست نشانده کززی و پارلمان نام نهاد را نیز سبکتر بسازند. زیرا امریکائی ها و همدستان ائتلافی شان نیکو می دانند، که تأیید و تصویب چنین معاهده شرم آور و ضد ملی به وسیله حکومت گوش به فرمان کززی یا اداره بدنام موسوم به «پارلمان»، موج های تازه مخالفت ها و اعتراضات مردم آزاد اندیش ما را در سرتاسر افغانستان دامن خواهد زد.

به همین دلیل کززی روباه صفت در مصاحبه هایش با مطبوعات داخلی و خارجی تظاهر می کند، که گویا او نیز با مسأله تداوم چونی های امریکائی در کشورش سر آشتی ندارد. مدتی پیش در مصاحبه با یکی از ژورنالیستان افغانی با وقاحت و پُر روئی ادعا کرد، که در زمینه پایگاه های نظامی، دست و پای امریکا را در هم بسته است. طبق ادعای او، دولت افغانستان، شرایطی را وضع نموده است، که سر تا آخر بر محور منافع ملی ما دور می خورد. او به تأکید و اطمینان مردم افغانستان را وعده داد، که از جانب حکومت او هیچ گاه کاری صورت نخواهد گرفت، که در ضدیت و تقابل با منافع ملی افغان ها قرار داشته باشد؛ ولی وطنداران آگاه و ژرف بین ما همه ملاحظه می نمایند، که حکومت مزدور و دست نشانده کززی در هیچ عرصه حیات اجتماعی با اشغالگران امریکائی، موقف متساوی الحقوق ندارد. به قول معروف: کجا نوکر و کجا بادار. همه می دانند، که اشغالگران امریکائی و دول ائتلافی از ده سال بدین سوکززی، اعضای حکومت، پارلمان، اردو، پولیس، استخبارات و همه کارمندان دولتی را معاش می پردازند؛ و از آرگاه و بارگاه شان در مرکز و ولایات پاسداری می کنند. اگر سایه توپ و طیاره عساکر بیگانه نباشد، خدا می داند چند روز در برابر قهر و خشم مردم داغیده ما، مقاومت خواهند کرد؟

ازین رو، ادعای دست و پا بستن امریکائی ها توسط حکومت فاسد و پویشالی کززی، مضحکه ای بیش نیست. وقایع ده سال گذشته، سیر تا پیاز کززی و حکومت فاسدش را در انظار مردم افغانستان و جهان بر ملا ساخته است؛ مگر همین کززی اسیر و سست اراده نبود، که امر به دور کردن موانع سیمنتی در شهر کابل و سایر شهر ها داد؛ اما چنین موانع سیمنتی تا حال در شهر کابل و ولایات، به مشاهده می رسد. آیا همین کززی لافوک با تفاخر و تبختر امر به برچیدن شرکت های قراردادیان مزدور جنگی وابسته به نیرو های امریکائی و ائتلافی صادر نکرد؟ در حالی که شما خوانندگان آگاه خوب ملاحظه می نمایند، که مسأله الغای چنین شرکت ها، که به قول خود کززی، حکومت دیگری موازی با حکومتش را تشکیل داده اند، تا چه اندازه حل و فصل شده است؟! آیا همین کززی نبود، که با کله شخی ادعا می کرد، پیش از رسیدگی به شکایات کاندیدان معترض «ولسی جرگه»، هیچ گاه حاضر به افتتاح «پارلمان» نخواهد شد؟ حال آن که همه شاهد بودیم، با یک تهدید مقامات امریکائی، سفر خارجی اش را قطع نموده؛ و بلادرنگ به گشایش «پارلمان» بدنامی اقدام نمود، که شاید نظیرش در تاریخ پارلمان های کشور های جهان به مشاهده نرسیده باشد. گذشته ازین، آیا همین کززی بار ها نگفته است، که ما

دیگر بمباری های خودسرانه نیرو های امریکائی و ائتلافی را قبول کرده نمی توانیم؟ لیکن همه ما باز هم شاهدیم، که بمباری ها، تلاشی های شبانه و عملیات وحشیانه این فرعونان خودکامه تا حال ادامه دارد. علاوه، آیا دریافت پول کثیف و سیاه رژیم آخوندی ایران، کرزی و دار دسته فاسدش را چیزی به نام آزادی و استقلال سیاسی، باقی گذاشته است؟! وقتی اجاره داران مکار فارسیم و شیعیزم خلاف همه موازین پذیرفته شده بین المللی، هموطنان مظلوم ما را جوقه جوقه به پای دار بردند؛ و تا کنون به این جنایت بی شرمانه شان ادامه می دهند، آیا کرزی و حکومت مزدورش، صدای اعتراضی بلند کرد؟!

هنگامی که آخوند های توسعه طلب ایرانی، مهاجرین بی پناه ما را علی رغم همه اصول انسانیت، اسلامیت و اخلاق حسن همجواری، مجبور به ترک کشور شان کردند، آیا اداره ضد ملی و ضد مردمی کرزی، کوچکترین صدای احتجاج بلند کرد؟! البته، این حقیقت نیز بر هیچ افغان آگاه پوشیده نیست، که کرزی و حکومت دست نشانده اش سال گذشته برای حل و فصل مسأله توقف غیرقانونی تانکر های تاجران افغان، چه شهامت و مردانگی نشان دادند؟! شکی نیست، اگر سلسله مظاهرات و گردهمائی های اعتراضی هموطنان شجاع ما در همبستگی با مالکان تانکر های متوقف شده وجود نمی داشت، شاید کرزی بی غرور و همکاران مزدورش برای حل این معضل ترانسپورتی، حتی جرأت فرستادن یک هیأت تشریفاتی به تهران را هم نمی کرد. تعداد این گونه نمونه ها و مثال ها خیلی زیاد بوده، که همه بر لاف و گزاف کرزی دون همت و همکاران نوکر صفتش، خط درشت بطلان می کشد.

روی این دلایل، کرزی و دار و دسته خود فروخته اش با وصف آن همه ادعا های دست و پا بستن امریکا، سر انجام به معامله ننگین و خاینانه تاریخی یعنی قبول لشکرگاه های استعماری امریکا در سرزمین آزاده و پر غرور ما، تن در خواهد داد؛ و نام های سیاه شان یکبار دیگر در فهرست خاینان و وطنفروشان ملی این کشور ، با خط درشت ثبت خواهد شد.

اشغالگران امریکائی با طرح ریزی چنین تاکتیک های فریبکارانه در واقع تلاش می ورزند تا کرزی مزدور و منفور را صیغه «ملی» بخشیده؛ و بدین وسیله در جامعه افغانی اعتباری برایش دست و پاکنند. علی رغم کرزی، که موافقتش را با مراکز دایمی عساکر امریکائی ظاهراً کتمان نموده، حامیان و هواخواهان اپوزیسیون نام نهاد او به رهبری عبدالله عبدالله به عنوان پیشگامان تهاجم امریکائی علیه کشور ما نه تنها اندکترین اعتراضی بر تداوم چنین تأسیسات منحوس استعماری نداشته، بلکه وجود آن را از خواست ها و آرزو های اساسی شان، به شمار می آرند. گروه های گوناگون ستمی نظیر «خراسانیان» و «افغانستانیان» و غیره نیز در صف مقدم دفاع از لشکرگاه های امریکائی قرار داشته؛ و به همین ترتیب است داستان تکنوکراتان کرا (کرایه) شده، که زندگی پُر ناز و نعمت شان در افغانستان، همه مرهون و مدیون حضور تفکنداران امریکائی و ائتلافی می باشد.

با توجه به این حقایق، چونی های قبلاً احداث شده امریکائی اکنون به منظور «رسمیت» و «مشروعیت» قلبی صرف انتظار تدویر «لویه جرگه» نمایشی و فرمایشی را می کشد. البته، مقدمات به دست آوردن تأیید و تصویب «لویه جرگه» نیز مدت ها قبل آغاز یافته است. این وضع ناگوار سیاسی همه هموطنان آزادیخواه و میهن دوست ما را با امتحان بزرگی مواجه ساخته است، که کوچکترین غفلت و سهل انگاری در آن می تواند نتایج فاجعه انگیزی به میان آرد.

پیش از این که به سخنان خود در باره این آزمون تاریخی ادامه دهیم، بی مورد نخواهد بود تا تحت عنوان جداگانه ای، مکث کوتاهی داشته باشیم بر پیش زمینه تاریخی رسوم و عنعنات ارزشمند جرگه ها در مرزوبوم کهن سال

خویش . بازگوئی چنین رسوم باستانی درین لحظات حساس تاریخی بدون شک هموطنان غیور و آزاده ما را در انجام دادن مسؤولیت بزرگ پاسداری از منافع عالیای کشور، یاری خواهند رساند.

ادامه دارد